نگاه

نیروی سیاسی و حضور در قدرت

اشرف بروجردی
معاون وزارت کشور دولت اصلاحات

● ۱ موضوع دستیابی به قدرت همواره مورد منازعه فعالان سیاسی، احزاب و ساختار سیاسی بوده و هست. کمترین نتیجه به قدرت رسیدن نیروهای خردگرا و معتدل، لایه و لیکان اجرای دیدگاه‌ها، نظرات و اندیشه‌های آنان در قامت متنحیان ملت است که مورد نظر قاطبه جامعه و در یاری از موارد، یک خواست تاریخی است. بنابراین اگرچه قدرت فی‌نفسه مفسده‌هایی به همراه دارد اما پره‌گیری و بهره‌مندی از آن اگر با هدف توسعه و تعمیم ایده‌ و نظر متنحیان به شرطی که برخوردار از اندیشه‌ای نخبه‌گرا و خواسته‌های واقعی جامعه باشد- سودبخش و مفید است. احزاب در ایران کمتر به دنبال برطرف‌کردن نیازهای اولیه مردم هستند. علت ضعف احزاب در این زمینه این است که هنوز قوت کافی برای احزاب فراهم نشده تا آنها بتوانند مسیر خودشان را طی کنند و در جامعه جایگاه خودشان را تعریف کنند. حال اگر دولت «تدبیر و امید» این فضا را فراهم کند و تلاش کار سیاسی برای یک حزب فراهم شود، آنگاه بسیاری از مدیران گذشته کشور و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب می‌توانند در این قالب، تجربیات خود را به نسل آینده منتقل کرده و لزوما نباید وارد ساختار رسمی شوند. هرچند در صورت درخواست مدیران ارشد دولت، کمک به آنها در شرایط فعلی مناقاتی با فعالیت در جامعه مدنی ندارد اما نباید همچنین معطوف به حضور در یک سمت رسمی شود. به عنوان مثال حزب «مؤتلفه اسلامی» در کنار فعالیت سیاسی، وارد عرصه اجتماعی و فرهنگی هم شده است. امروز حزب مؤتلفه مسجد، هیات و حتی مدرسه دارد. کار خیریه می‌کند. حزب مؤتلفه تنها در زمان انتخابات وارد پاره‌ای از الیه‌ها قدرت انتخاباتی یا هواداران ارتباط نمی‌گردد. بلکه در تمام طول سال از طرق مختلف اقدام به برقراری ارتباط با جامعه می‌کند از طریق مدارس، نسل آینده را تربیت می‌کند. از طریق جلسات و هیاتها با زبان ساده با مردم عادی ارتباط می‌گیرند و حتی از طریق جلسات مختص بانوان، آنها را مطلع با نیازها و خواسته‌جامعه متنتکل می‌کنند. خیلی از آرایی که در انتخابات به‌نفع حزب مؤتلفه به صندوق ریخته می‌شود، از طریق همین جلسات زنانه یا مذهبی جمع‌آوری می‌شود. دیده می‌شود که تابلوی آن حزبی و سیاسی است اما در حقیقت به صورت آرام و سیستماتیک، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دارند. حضور غیرسیاسی یک نیروی سیاسی در حوزه‌های اجتماعی - فرهنگی می‌تواند بسیار مؤثر باشد در جهت حرکت عقلانی جامعه زیرا به جای تصمیم فردی، این جمع است که تصمیم می‌گیرد. در تمام حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و سیاست خارجه اگر حزب، جایگاه خودش را پیدا کند، می‌تواند به آن حوزه جهت بدهد و جامعه را از حرکت به سوی رای فردی و با انجام کار غیرکارشناسی مصون کند.

۲- زمانی می‌توان از نیروی سیاسی- توقع داشت بدون نیاز به حضور در دولت یا مجلس، کارکرد واقعی داشته باشد که فعالیت و ایفای نقش آنها پذیرفته شود و مردم احساس کنند که می‌توانند خواسته‌هایشان را از طریق آنها پیگیری کنند. یعنی تعداد و قدرت نمایندگان متلاریک حزب در مجلس به حدی باشد که مردم بتوانند از طریق آنان، خواسته‌هایشان را پیگیری کنند. البته که یک نیروی سیاسی با گرایش سیاسی- که در اینجا مشابه اصلاح‌طلبان است- باید در قوه مجریه نمایندگانی داشته باشند که بتوانند با گرایشات مرتبط، به دنبال خواسته‌های مردم و مطالبات آنان باشند؛ مانند تمام احزاب در کشورهای دیگر دنیا خاصیت کار در مجموعه «شکل‌های غیردولتی» و «شوراء -تأکید دارم این دو در کنار هم مطرح شود- یکی این است که مردم یاد بگیرند با یکدیگر تعامل داشته باشند و با دوری از کار بر اکنند. کار منظم اجرا دهند مردم یاد می‌گیرند که رای و نظر جمعی را برای فردی ترجیح دهند و در این صورت، همیشه نیاز به حضور در ساختار رسمی دولت و حاکمیت نیست. وقتی کار سیاسی مسنجم و نقشه‌مند در این میان اما اتفاق جالب، تجربه دیگری دارد که می‌تواند اگر در مورد یک موضوع رای گیری شود در نهایت باید رای جمع ملاک عمل باشد. تشکل‌ها کمک می‌کنند به تصحیح فرهنگ و نگرش‌ها در این جهت که همگان محلی از اعراب دارند مثل حرکتی که حضرت امام(ره) ایجاد کردند و تا تأکید بر اینکه مردم ولی‌نعمت ما هستند یا ما در خدمت مردم هستیم. حتی اعتماد مفنی را در آنها ایجاد کردند. اما این حس پس از آنکه زنده شد باید پویایی خود را طی کند. با این حال در صورت حضور در دولت نیز یک جریان سیاسی باید بتواند ارتباط خود با بدنه را حفظ کرده و مانع کشور را برای توسعه و پیشرفت، دنبال کند و همچنین از حمایت هواداران بهره‌مند شود.

۳- نیروهای سیاسی می‌توانند اقدام به تشکیل تشکل‌های غیردولتی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی کنند که اقدامی درست و در راستای تقویت جامعه مدنی و استقلال احزاب از دولت است چه اینکه در این صورت تشکل‌ها بهتر می‌توانند حمایت سیاسی و انسانی‌ای کنند. با این حال شرایط به‌گونه‌ای است که فعالان سیاسی نمی‌توانند از نام تشکل یا جریان خود برای این منظور استفاده کنند و فعالیت سیاسی در این قالب هم نمی‌تواند داشته باشد. بعضا فراد حزبی تحت عناوین دیگری، موسسات خیریه تشکیل داده‌اند و با نام دیگری فعالیت می‌کنند حتی به تبلیغ دیدگاهشان می‌پردازند و به‌صورت غیرمستقیم عضوگیری می‌کنند اما هرگز نمی‌توانند از برند حزب خودشان استفاده کنند. اگر احزاب مقبول نظام یا تشکل‌های جریان وارد عرصه کارهای فرهنگی و اجتماعی شوند می‌توانند روح کار جمعی را ترویج کرده و نیازهای اجتماعی و فرهنگی مردم را در عرصه رسمی مطرح کنند و در کنار دغدغه‌های سیاسی، آنها را هم به نتیجه برسانند.

ادامه از صفحه ۷

اهمیت کار زیربنایی

فعالیت برخی احزاب به تهران محدود بود و برخی احزاب محوری که دارای هدف بلندتری بودند، از دفاتر در مرکز استان‌ها جلوتر نرفتند. در شهرستان‌ها و بخش‌هایی که به‌عنوان نماینده مردم سرکشی می‌کردم، جوانان اصلاح‌طلب خواستار عضویت در احزاب یا راه‌اندازی تشکل‌های مردم نهاد توسط چهره‌های شاخص شهرستان و بخش بودند اما متفانه اجرایی، مفع آن می‌شد. اینچنین بود که تخریب‌های سازمان‌یافته علیه دولت اصلاحات و دستاوردهای گمنظیر آن، بعضا به نتیجه می‌رسید و سوالات و ابهاماتی که رسانه‌های برنعداد رقیب ایجاد می‌کردند، تهمت‌ها و اقترائهایی که بی‌دلیل نثار مجموعه می‌شد، به شکل کامل پاسخ داده نمی‌شود.

تجربه این سال‌ها می‌گوید اگر فقط باز شود، فعالان سیاسی باید به این باور برسند که کارهای زیربنایی سیاسی و سازماندهی جدید در درون خود داشته باشند و قدرت تشکیلاتی را بالا ببرند. در گذشته گاهی در برخی بخش‌ها بعد از تاسیس، بعضی کارها انجام می‌گرفت که قالب آنها نیروهای ارزشی هستند و قبل و بعد از انقلاب هزینه بسیار داده‌اند اما آنچنان تبلیغ شد که گویی نیروهای مذهبی نباید ارتباطی با ما داشته باشند. درعین‌حال نیروهایی از دیگر احزاب و جریانات که قبلا می‌گویند باید بخشی از رسالت خود را این تلقی کنند که فرصتی را به کار در جامعه مدنی اختصاص داده و حلقه رویکرد مشابه نباید از اهمیت این مساله غفلت کرد. باید جامع دید و از بخش‌نگری فاصله گرفت. این بهترین راهبرد، پس از شرایط سخت هشتسال گذشته است.

ادامه از صفحه ۷

ماجرای تامل برانگیز اصولگرایی ما

۴- اشتغال به خطرات محسوس و غفلت از خطرهای نامحسوس

تفاوت نوپای اسلامی با سه خطر محسوس و دو خطر نامحسوس روبه‌رو بود. خطرات محسوس عبارت بودند از: خطر کودتا و دخالت نظامی، خطر جنگ داخلی یا تحریک و حمایت خارجی، خطر درگیری با یکی از کشورهای همسایه از قشا هم سه خطر، عمدا آزمایش شده اما کارایی نداشتند. هم با کودتا روبه‌رو بودیم هم با دخالت نظامی مستقیم و هم با حمله خارجی. اما مردم ما با یکپارچگی و رهبری قوی، همه این خطرات را پشت سر گذاشتند اما دو خطر نامحسوس که در درازمدت این نظام را تهدید کرد و چدی تر از سه خطر قبلی است همچنان وجود دارد، خطر فشار اقتصادی و اجتماعی که از درون، مردم ما را دچار مشکل می‌کند و همچنین تلاش برای تغییر محتوای نظام و چشم پوشی از اصول و لوازم انقلاب، به کار گرفتن شخصیت‌های سیاسی و علمی داخلی اصولگرایان باید از طرفی عملکرد دولت و مدیران اقتصادی کشور را به دقت زیر نظر می‌داشتند و از طرف دیگر مواظب فرآیند فرهنگی جامعه می‌شدند. برای اینکه شکست برنامه‌های اقتصادی از امید مردم به این نظام کاسته، به نارضایتی آنان می‌افزود و نیز نداشتن یک برنامه علمی، اقتصاد کشور را دچار نابسامانی کرده، نابرابری مناطق را افزایش می‌داد. چنان‌که با همه تاکید نظام و قانون اساسی بر کاهش نابرابری این نابرابری افزایش یافت. از طرف دیگر دانشجویی می‌فتیم و درخشیدن دستمزد و حقوق از مسائل می‌شد، با افتخار به آنها اعلام می‌کردیم که اگر بیرون از سمت‌های رسمی باشید - با این شرط دولت مستقر رویه‌های مانند آنچه در هشتسال گذشته دنبال شد را در پیش نگیرد و محدودیت‌ها را دوچندان نسازد- بیشتر می‌توانیم به مسایل ملی حق بر سیم چرا که اکثر دوستان، در عرصه کار اقتصادی و فرهنگی، چهره‌های موفقی بودند. پیش از رخداد ۷۸ خرداد و روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، اگر از نگارنده پیرامون فعالیت رسمی سیاسی سوال می‌شد پاسخ می‌دادم: «به دانشگاه بروید و کار را دنبال می‌کنیم. دوست داریم سیاست‌ورزی کنیم اما امکان آن سلب شده است». بدون شک این نوع فعالیت‌ها در قالب حزب امکان‌پذیر است یا حداقل ما برای آن چارچوب دیگری قایل نیستیم. ممکن است در مقاطعی، جنبش‌های اجتماعی زمزمه‌ی در ایران به‌عنوان فعالیت سیاسی شناخته می‌شد اما نقطه اوج شکوفایی سیاسی، زمانی بود که فعالیت سیاسی در ایران علنی بود و بخشی از آن در ۲۴ خرداد به منصه ظهور رسید. در عین حال امروز به نسبت دوران اصلاحات، بخشگی بیشتری وجود دارد که به گذشت زمان مرتبط است. ما هم مانند فسال‌های دیگر، این امکان را داشتیم که برخی نظرات خود را اصلاح کنیم. این رطبق به بودن یا نبودن در ساختار رسمی ندارد. من و دوستانم همچنان نگاه اصلاح‌طلبانه داریم. هنوز هم فکر می‌کنیم تغییرات تدریجی اما جدی کشور، راه به مطلاح و ثواب ملت و کشور می‌برد. اصلاحات تدریجی و جدی، که بر روی آن، تاکید زیادی دارم. اصلاحات اگر جدی نباشد، شبیه به جایی نمی‌رسد. اصلاحات نه اسم مستقل برای نوعی حساسیت‌های جهانی ۱۵- توجه به مسایل جزیی و شخصی به جای عوامل ارگفار در سطح جامعه (مثلا توجه به کولوات به جای درنی و اختلاس) ۱۶- غفلت از نظرسنجی ۱۷- ورود به اشخوری و توندتندوی ۱۸- توجه به آیین نامه‌ها به جای روزمره و همینگی انتخابی و مورد دیگر مخصوصا مسایل مربوط به هدف‌های سوم و چهارم که در آینده آنها را نیز به اختصار و با ذکر سرفصل‌ها مطرح خواهیم کرد و نیز به مشکلات موجود اشاره خواهیم کرد. ا